

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده
و نه آنطوریکه امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(15)

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب یکم : انقلاب و ضد انقلاب

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بخش ششم

3- کارزار در شمال و غرب

در ماده 12 پیمان قطع خصومت (آرمیس تیس) نوامبر 1918 ، بین متفقین و قدرتهای اروپای مرکزی بخشی وجود داشت که درباره آن سر و صدای چندانی نشده بود . این قراردادی بود دایر براینکه تروپهای آلمان موظفند تا زمانیکه متفقین آنها لازم بدانند در هر نقطه از خاک روسیه که در اشغال دارند باقی بمانند . اما در استانهای بالتیک ارتش قیصر به تندی از هم پاشیده شده بود . سربازان آلمانی خسته از جنگ و شورشگر ، گروه گروه جبهه را ترک نموده بودند . سر فرماندهی نظامی انگلیس در برابر جنبشهای شورانی رو به اعتلا در لتوانی و استونی ، بر آن شد که حمایت خود را بر دسته های گارد سفیدی که در ناحیه بالتیک فعال بودند ، متمرکز نماید . مردی که برای رهبری این دسته ها انتخاب و ماموریت یافت آنها را بصورت یک واحد نظامی متشکل در آورد ، ژنرال کنت رودینگر فن در گولتز از سر فرماندهی نظامی آلمان بود . پس از آنکه فنلاند در نتیجه انقلاب روسیه ، استقلال خود را بدست آورد . جمهوری فنلاند تاسیس گردید . (1)

به دنبال این تحولات قوای اعزامی آلمان در بهار 1918 ، به جمهوری فنلاند حمله ور شدند . رهبری این قوا با ژنرال فن در گولتز بود . ژنرال مزبور فرماندهی نبرد فنلاند را در نتیجه درخواست عاجل بارون گوستاو فن مانرهایم بعهده گرفته بود . شخص اخیر یک اشرافی سوئدی و افسر سابق گارد سواره سلطنتی تزار و کسی بود که نیروهای سفید در فنلاند را رهبری میکرد . (2)

فن در گولتز در راس ارتش گارد سفید در نواحی بالتیک برای امحاء جنبشهای شورایی در لتوانی و لیتوانی اقدام به ایجاد رعب و وحشت نمود . تروپهای او به بخشهای بزرگی از آن سر زمین یورش برده و به اعدام گسترده افراد غیر نظامی دست زدند . خلق لتوانی و لیتوانی برای مقابله با این جنایات وحشیانه از ساز و برگ نظامی ناچیزی برخوردار بودند . اندک زمانی پیش نگذشته بود که فن در گولتز عملاً دیکتاتور این دو کشور گردید .

گردانندگان سازمان ریلیف امریکا (سازمان مدد کاری امریکا) تحت سرپرستی هربرت هور مقادیر هنگفتی مواد غذایی به نواحی اشغالی ارتش ژنرال آلمانی فن در گولتز اختصاص دادند (توضیح مترجم : این مواد غذایی بدون تردید در اختیار افراد فن در گولتز قرار میگرفته است) . اما متفقین بزودی در برابر یک معما قرار گرفتند . اگر چه فن در گولتز با کمک آنان بر نواحی بالتیک استیلا یافته بود ، معهدا وی یک ژنرال آلمانی بود و در نتیجه این خطر وجود داشت که آلمان بکوشد از طریق او کنترل ایالت بالتیک را بدست آورد .

در ژوئن 1919 ، انگلیسی ها تصمیم گرفتند بجای فن در گولتز ژنرال دیگری را جایگزین کنند که مستقیماً در کنترلشان باشد .

دوست سیدنی ریلی ، ژنرال سابق تزاری نیکلای یودنیچ پنجاه و هشت ساله به سمت فرماندهی کل نیروهای سفید انتخاب گردید . انگلیسی ها موافقت نمودند تجهیزات نظامی لازم را برای پیشروی

یودنیچ بسمت پتروگراد در اختیارش بگذارند . اولین محموله تجهیزات کامل برای 10 هزار نفر حاوی 15 میلیون خشاب ، 3 هزار تفنگ اتوماتیک و تعدادی تانک و هواپیما بود . (3)
نمایندگان سازمان ریلیف هربرت هور ، قول تحویل مواد غذایی به نواحی اشغالی مردان یودنیچ را دادند . سرگرد آر . آر . پاورز سرپرست بخش استونی ریلیف در نواحی بالتیک ، به منظور تخمین میزان مواد غذایی لازم برای تضمین محاصره پتروگراد توسط ارتش سفید یودنیچ به نظارت گمارده شد . ورود کشتی های سازمان ریلیف ، مملو از مواد غذایی برای توزیع در خط اشغالی نفرات یودنیچ ، به روال آغاز گردید .

تحت فرماندهی یودنیچ تهاجم گسترده ای بسوی پتروگراد رسیده بود . دول متفق متقاعد شده بودند که چند روزی و حتی شاید چند ساعتی بیش به سقوط پتروگراد باقی نمانده است . خطوط اول نیویورک تایمز پروسه پیروزی قوای سفید را باین صورت تصویر مینمود :

" 18 اکتبر . در استکهلم شنیده میشود که نیروهای ضد سرخ در پتروگراد میباشند .
20 اکتبر خبر سقوط پتروگراد بار دوم گزارش میشود . ارتباط با مسکو قطع شده است .
21 اکتبر نیروهای ضد سرخ در نزدیکی پتروگراد . لندن هر لحظه در انتظار خبر سقوط شهر است . "

اما یودنیچ در همان دروازه های شهر پتروگراد متوقف گردید . شهر انقلابی ضد حمله خود را وارد نمود . نیروهای یودنیچ با رویارویی با چنین حمله سهمناکی ، تعادل خود را از دست دادند . روز 29 فوریه 1920 ، نیویورک تایمز گزارش داد :

" یودنیچ ارتش را ترک میکند . وی با ثروت 100 میلیون مارکی خویش به پاریس رهسپار میشود . "

یودنیچ در اتومبیلی که پرچم انگلیس بر آن در اهتزاز بود ، از جانب جنوب استونی فرار را بر قرار ترجیح داد و در پشت سربازان او در دشتهای پوشیده از برف آواره شده و هزار هزار بر اثر گرسنگی ، بیماری و سرما جان سپردند .

نبرد جنوب

مادامی که نیروهای یودنیچ پتروگراد را از جانب شمال مورد حمله قرار میدادند ، حمله از سوی جنوب بوسیله ژنرال آنتون دنیکین افسر سابق تزاری ، مردی چهل و پنجساله با چهره متشخص ، ریش و سیبیل خاکستری ، رهبری میشد . ژنرال دنیکین همواره می گفت که ارتش وی دارای " یک اندیشه عمیق و مقدس ، یک تمایل و امید زنده است ... و آن نجات روسیه میباشد "

اما همین ارتش وی در جنوب روسیه ، در میان خلق روسیه به خاطر شیوه های جنگی وحشیانه و رزیلاته اش بد نام بود .

از سر آغاز انقلاب روسیه ، اوکراین با گندم زارهای غنی و ناحیه دون با مخازن عظیم زغال و آهن خود همواره صحنه مهیب ترین منازعات بود . پس از تاسیس جمهوری شوروی اوکراین در دسامبر 1917 ، رهبر نیروهای اوکراینی ضد شوروی ژنرال پتلورا به فرماندهی عالی آلمان اصرار نمود تا به اوکراین نیروهایی اعزام و در سرنگونی رژیم شوروی بوی یاری نماید . آلمانیها که چشمان طمعکار خود را به منابع عظیم غذایی اوکراین دوخته بودند بدعوت دومی نیاز نداشتند .

تروپهای آلمانی تحت رهبری فیلد مارشال هرمان فن ایشورن به اوکراین ، هجوم آوردند . این نبرد برای خود فن ایشورن نیز منافع شخصی قابل توجهی در برداشت . همسروی کنتس دورنوا از اشراف ثروتمند روسی و یکی از بزرگترین زمینداران اوکراین بود .

نیروهای شوروی از کیف و خارکف رانده شدند و دولت وابسته " اوکراین مستقل " تحت کنترل ارتش اشغالگر آلمان ، تحت رهبری ژنرال پتلورا تشکیل گردید . پتلورا با اعلام اینکه هدف وی استقرار " سوسیالیسم ملی " میباشد ، به یکسری کشتارهای دسته جمعی از یهودیان در سراسر

اوکراین دست زده و مجازاته‌های بیرحمانه‌ای را برای سرکوب کارگران و بزرگان انقلابی اوکراین بکار گرفت. اما جنبش انقلابی به رشد خویش ادامه داد. فن ایشورن با رسیدن به این نتیجه که پتلورا قادر به اداره اوضاع نیست، یک دیکتاتوری نظامی را جایگزینی دولت وی نمود. در راس رژیم وابسته جدید، برادر زن ایشورن، ژنرال پاول سکوروپادسکی افسر سواره نظام روسی، که نمیتوانست حتی یک کلمه به زبان اوکراینی صحبت کند، قرار داشت. سکوروپادسکی لقب هتمان (به معنای سرکرده) اوکراین را بر خود نهاد. خروج آلمانیها به هیچ وجه به معنای پایان مشکلاتی نبود که بلشویکها در اوکراین با آن روبرو بودند، متفقین نیز از جنبشهای سفید ضد شوروی در جنوب روسیه حمایت کرده و میکردند. کمک متفقین بطور عمده در اختیار آن نیروهای ضد انقلابی قرار داشت که بصورت "ارتش داوطلبان" در نواحی قزاق نشین دن تحت رهبری کالدین، کرینلف، دنیکین و ژنرالهای دیگر تزاری که پس از انقلاب بلشویکی به جنوب گریخته بودند، تشکیل شده بودند. ارتش داوطلب از همان ابتدا، بطرز جدی به عقب رانده شد. ژنرال کالدین، اولین فرمانده کل آن دست به خودکشی زد. جانشین وی ژنرال کرینلف، توسط نیروهای شوروی از ناحیه دن پس رانده شده و سرانجام در نبردی در 13 آوریل 1918 بقتل رسید. فرماندهی ارتش در حال عقب نشینی و فرسوده داوطلبان به چنگ ژنرال دنیکین افتاد.

در آخرین لحظات، که به نظر میرسید اقبال بکلی از سفیدها روی برتافته، اولین نفرات نظامی انگلیسی و فرانسوی در مورمانسک و آرخانگل پیاده شدند و سیل تجهیزات و مهمات متفقین مرزهای روسیه را درنوردید و به جانب ارتشهای سفید روان شد. ارتش تحت فشار دنیکین از انهدام نجات یافت و با نیرو و توان جدید آمادگی یافت تا قبل از پانیز 1918 حملات بعدی خود را علیه نیروهای شوروی از سر گیرد...

در 22 نوامبر 1918، دقیقاً یازده روز پس از آنکه آرمیستیس به مثابه خاتمه جنگ اول جهانی به امضا رسید، پیامی از طریق بی سیم به ستاد جنوبی دنیکین رسید حاکی از اینکه یک ناوگان متفقین در راه نوراسیسک میباشد. روز بعد کشتی‌های متفقین در بندر دریای سیاه لنگر انداختند و فرستادگان انگلیس و فرانسوی به خشکی آمدند تا به اطلاع دنیکین برسانند که عنقریب مهمات جنگی میسوطی، از جانب فرانسه و انگلیس برای وی خواهد رسید. در خلال آخرین هفته‌های سال 1918، تروپهای فرانسوی اودسا و سواستوپول را اشغال نمودند. یک ناوگان انگلیس مرکب از کشتی‌های کوچک، بسرعت بدریای سیاه وارد و واحد‌هایی را در باتوم پیاده نمود. یک فرمانده انگلیسی بعنوان فرمانداری کل آن ناحیه منسوب گردید. (4) دنیکین تحت سرپرستی سر فرماندهی نظامی فرانسه و مجهز به مقادیر هنگفتی ساز و برگ از جانب انگلیسی‌ها، تعرض بزرگی را بر علیه مسکو سامان داد. دستیار اصلی دنیکین در این تعرض ژنرال بارون فن ورنانگل نظامی بلند قد و استخوانی با موهای کم پشت و چشمان آبی بود که به ظلم و خشونت بسیار معروف بود. ورنانگل مرتباً عده‌ای از زندانیان غیر مسلح را در مقابل رفقایشان تیرباران مینمود و سپس به زندانیانی که ناظر این تیرباران بودند حق انتخابی مبنی بر پیوستن به ارتش وی یا تیرباران شدن را میداد. هنگامیکه نفرات دنیکین و ورنانگل به داخل شهر تسخیر شده ستاوروپول ریختند، یکی از اولین حرکاتشان یورش به یک بیمارستان و کشتار هفتاد سرباز زخمی ارتش سرخ بود. غارت اقدامی رسمی در ارتش دنیکین بود. ورنانگل خود به تروپهایش دستور میداد که غنایم بدست آمده در جنگها بایستی "به مساوات تقسیم شود".

نیروها دنیکین و ورنانگل در طی پیشروی خود بسمت شمال، در ژوئن 1919، تساریتسین یا استالینگراد بعدی (رویزیونیستهای خروشفی بعد ها این نام را به ولگاگراد تغییر دادند- م) را تسخیر و تا قبل از اکتبر به حوالی تولا حدود 200 کیلومتری مسکو رسیدند. نیویودک تایمز گزارش داد: "بنظر میرسد که بنای بلشویسم در روسیه در کل در حال فرو ریختن است"؛ "تخلیه مسکو مرکز اصلی بلشویسم آغاز گردیده است". تایمز دنیکین را

بعنوان مردی که " همه چیز را در مسیر خود میروبد " و ارتش سرخ را " ارتشی در حال عقب نشینی با وحشت بسیار " توصیف نمود .
اما ارتش سرخ با اتخاذ نقشه حمله ای که توسط استالین بعنوان عضو کمیته نظامی انقلابی طرح شده بود ، به یک ضد حمله ناگهانی دست زد .

نیروهای دنیکین بکلی غافلگیر شدند . چند هفته بیشتر نگذشته بود که ارتش سفید جنوبی شتاب آلود به سمت دریای سیاه عقب نشینی نمود . سربازان دنیکین با روحیه های درهم شکسته ، با وحشت و بی نظمی رو به فرار نهادند . بیماران و افراد در حال مرگ جاده ها را پوشانیدند . واگن های بهداری اغلب فاقد دارو و وسایل پزشکی ، پزشک و پرستار بودند . ارتش مزبور بصورت دسته های راهزن استحاله شده و چون موجی همچنان به سمت جنوب سرازیر گردید . در روز 9 دسامبر 1919 ، ژنرال ورنانگ ، وحشتزده فرستادگانی بسوی ژنرال دنیکین فرستاده و اعلام کرد :

" حقیقت تلخی است ، ارتش بعنوان یک نیروی جنگنده از هستی ساقط شده است . " در هفته های نخست 1920 ، باقیمانده های ارتش دنیکین به بندر نووراسیوسک در ساحل دریای سیاه رسیدند . سربازان سفید ، فراریان و پناهندگان غیر نظامی بداخل شهر ریختند . روز 27 مارس 1920 ، در حالیکه رزمنان انگلیسی " امپراطور هند " و کشتی فرانسوی والدک روسو در حال آماده باش بسمت ستونهای در حال پیشروی سرخ در خشکی خمپاره پرتاب مینمود ، دنیکین سوار بر یک کشتی جنگی فرانسوی از نووراسیوسک لنگر گرفت . دهها هزار سرباز ارتش دنیکین با درماندگی ، حرکت فرمانده و افسرانشان را از روی اسکله ها نظاره میکردند .

* * * * *

توضیحات :

(1) فنلاند ، پیش از انقلاب اکتبر تحت سلطه روسیه تزاری قرار داشت . مترجم
(2) بارون مانرهایم با کمک نفرات مجهز فن در گولتز ، دولت فنلاند را سرنگون کرده و پرنس فرد ریش فن همسن داماد قیصر ویلهلم آلمان را برای تصاحب تاج و تخت فنلاند دعوت نمود . فن در گولتز و مانرهایم برای سرکوب مخالفت های مردم فنلاند ، سلطه ای از کشتار و ارباب براه انداختند . افراد مانرهایم در مدت چند هفته 20 هزار مرد و زن و کودک را اعدام کردند . دهها هزار نفر به اردوگاهها و زندانها فرستاده شدند و بسیاری از آنان در اثر شکنجه و سرما و گرسنگی جان سپردند .

(3) از فعالترین ماموران مخفی انگلیس در نبرد شمال پل دوکز همکار صمیمی کاپیتان سیدنی ریلی بود . دوکز موفق گردید برای خود سمتی در ارتش سرخ بدست آورد و بصورت جاسوس ضد شوروی و خرابکار در درون نیروهای سرخی که علیه یودنیچ میجنگیدند فعالیت نماید . هنگامیکه ارتش سفید به پترگراد حمله کرد ، دوکز ترتیب انفجار پلهایی که بمنظور عقب نشینی ارتش سرخ دارای نقشی حیاتی بودند ، را داد . وی به دستورات ارتش سرخ راجع به نابودی وسائل ارتباطی که پیشروی یودنیچ را آسان میساخت ، بطور معکوس عمل نمود ، و یودنیچ را از کلیه حرکات ارتش سرخ با خبر ساخت . دوکز همچنین در تماس نزدیک با تروریستهای مسلح بود که بازمانده سازمان ریلی در داخل پتروگراد بودند و در انتظار کمک به سفیدها ، بمحض ورودشان به شهر نشسته بودند . این شخص پس از بازگشت به لندن بخاطر فعالیت هایش به لقب " سر " ، " مفتخر " گردید . وی بعدها کتابی نوشت به نام " غروب سرخ و فردا " که فعالیت های خود در روسیه را به عنوان جاسوس توصیف مینمود . دوکز با همکاری سیدنی ریلی ، برای مقاصد تبلیغاتی ، کتاب ساوینگف " اسب رنگ باخته " و چندین اثر ضد شوروی دیگر را ترجمه نمود .

(4) تروپهای انگلیسی از ماه ژوئیه 1918 در جنوبی ترین بخش روسیه فعالیت داشتند. در آن هنگام فرماندهی عالی انگلیس سربازانی را از ایران برای کمک به طغیان ضد شوروی که توسط منشویکها و سوسیال-انقلابیها برپا شده بود، به ترکستان فرستاد. " کمیته اجرایی سراسری قفقاز " به رهبری یک ضد انقلابی بنام نوی ژوردانیا ، دولتی عروسکی زیر کنترل انگلیسی ها تاسیس کرده بود. ترتیباتی داده شده بود تا انگلیسی ها از حقوق ویژه ای در مورد صدور پنبه و نفت از این منطقه ، در ازای کمکهایشان به نیروهای ضد انقلابی ، برخوردار باشند .

.....

جمع بندی از این بخش :

نکته بسیار با اهمیتی که در این بخش بچشم می خورد و باید بدان توجه داشت ، نکته ای است که همواره توسط ماشین دروغپردازی امپریالیست ها با جعل و وارونه گری بعنوان " جنایات بلشویکها در فنلاند " در اذهان عمومی نهادینه گردیده است . بطوریکه بعد از نزدیک به گذشته یک قرن مردم عادی ؛ کشتار بربرمنشانه قوای ضد شوروی تحت فرماندهی متجاوزین امپریالیستی که فقط در یک قلم بیش از 20 هزار مرد و زن و کودک قتل عام گردیدند ، دهها هزار نفر به اسارت قرون وسطی گرفتار آمدند و هزاران نفر در اثر شکنجه- سرما و گرسنگی جان باختند ، را به دولت سوسیالیستی شوروی نسبت می دهند . هم اکنون رسانه های گروهی دولت های امپریالیستی سوئدی و فنلاندی وقت و بی وقت این کشتار وحشیانه را عمدانه به " بلشویکها " منتسب می گردانند . آنان آگاهانه با هدف نابود ساختن خاطره تاریخ درخشان و انسانساز " انقلاب سوسیالیستی اکتبر شوروی " در اذهان توده ها ، و محو آن از حافظه تاریخ نسل های گذشته و آینده چنین بی پروا و بی شرمانه دروغ می گویند و از بر ملا شدن آن هیچ گونه هراسی بدل راه نمی دهند . چرا که توسط ماشین غول پیکر تبلیغات سازی در طی سالیان سال قادر گشته اند مغزها را شستشوی دهند و انسانها را نسبت به حقایق تاریخی مسخ و " از خود بیگانه " سازند .

بهمن ادیب 2006 /05 /23